

به بهانه انتشار مجدد اسناد سری جنایت‌های استالین

قاتل مارکس

◄ **امین علم‌الهدی**

نگاه به زندگی استالین به مثابه یک حقیقت در تاریخ بشریت و نه صرفاً بررسی زندگی یک دیکتاتور در شوروی اهمیت زیادی دارد. این اهمیت برگرفته از نوع نگاه وی به بشریت و تداوم این نوع نگاه است که ایدئولوژی سوسیالیستی را برتر از بشریت می‌داند. درباره عملکرد استالین در شوروی شایعات بسیاری وجود دارد که بی‌شک در ایهام و خلاء رسانه‌ای آن عصر شوروی بسیار پر و بال گرفته. بی‌شک در هر زمانی شایعات بسیاری که بعضاً حقیقت نیز ندارند، درباره جنایات دیکتاتور عصر ساخته می‌شود و در پی جابه‌جا شدن این شایعات کم‌کم به حقیقت‌های غیر قابل شک تبدیل می‌شوند. به عنوان مثال بی‌شک هیتلر با استالین به عنوان دو دیکتاتور هم‌عصر جنایات بسیاری در حق بشریت روا داشته‌اند اما آیا واقعاً این میزان جنایت در چند سال حکومت قابل تصور است یا این جنایات چه سودی برای آنها و حکومتشان داشته که اینچنین عمل می‌کردند. در طول تاریخ نیز همین شایعات از آن میزان اهمیتی برخوردار می‌شوند که شک در آنها با حرف زدن درباره درستی یا نادرستی آنها مساوی می‌شود یا دفاع از همان دیکتاتور و محقق یا انسان عادی که در این باره حرف می‌زند ناخواسته فاشیستی یا استالینیستی می‌شود. در این میان نباید فراموش کرد که در عین حال که همه جنایات را نمی‌توان پذیرفت، همه آنها را نیز نمی‌توان منکر شد. در تاریخ‌نگاری بشریت تاریخ‌های غیررسمی که بیشتر توسط افرادی که مورخ نبودند نوشته می‌شود، نقاط مهمی از عصر مورد نظر را آشکار می‌کند. انگیزه نویسندگان این نوع تاریخ متفاوت است؛ عده‌ای به دنبال انتقام‌گیری از حکومت در پی حذف هستند و عده‌ای دیگر در طول زمان به اشتباهات خود پی می‌برند و سعی می‌کنند با این کار اندکی از اشتباهات خود را جبران کنند. اگر با واقع‌بینی نگاه کنیم، این عده در اقلیت قرار می‌گیرند اما عده‌ای نیز در پی از بین رفتن حکومت یا فرار از دست آن برای پناه گرفتن در خانه دشمن آن حاکم مجبور به نوشتن خاطرات خود می‌شوند که در آن خاطرات هم واقعیت وجود دارد و هم میزانی غلو. الکساندر آرلوف نویسنده کتاب تاریخ سری جنایت‌های استالین نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی هم در پی انتقام‌گیری از استالین بوده و هم برای فرار از دست وی به ایالات متحده پناه می‌برد و ناگزیر است برای پذیرش میریزان از جنایت‌هایی که شاهدش بوده، بنویسد. البته بنا به همان امری که قید شد ممکن است در این نوع نوشته‌ها میزانی غلو نیز باشد اما در اصولش کمتر جای شک و تردید است. خواننده با خواندن کتاب به بسیاری از جنایت‌های استالین پی می‌برد که در پرده‌ای از ایهام قرار داشتند؛ جنایت‌هایی که استالین در آنها هیچ ردی از خود باقی نگذاشته بود مانند حذف گورکی، البته نباید فراموش کرد که منش استالین همان مارکسیسم نیست و نمی‌توان ظهور و بروز مارکسیسم را در منش استالین دید. این امر در

نکته	
 نمی‌توان استالین را نماینده مارکسیسم دانست چرا که غیر از مباحث تئوریک و خیانت‌هایش به متون آشکار مارکس وی اخلاق مارکسیسم را نیز زیر پا گذاشت. مارکسیسم بر اساس دغدغه‌ها اخلاق در مقابل سرمایه‌داری ظهور کرد. مارکسیسم در برابر سرمایه‌داری اخلاقی‌ترین ایدئولوژی آن عصر به شمار می‌رفت و استالین کمی هم به این امر توجه نکرد.	

با کلیشه به معنای نادیده گرفتن واقعیات نیست و تحقیق در مورد صدق شایعات تأیید روش و منش مخالف نیست. کتاب‌های تاریخ شفاهی یا خاطرات نزدیکان به دیکتاتور عصر مورد بحث می‌تواند کمکی باشد به تحقیق و پژوهش در مورد یک بازه زمانی یا یک حقیقت اجتماعی و نه قبول صد درصد آن. کتاب تاریخ سری جنایت‌های استالین نوشته الکساندر آرلوف با ترجمه عنایت‌الله رضا توسط نشر

به بهانه انتشار زندگینامه دو جلدی استالین

استالین؛ روشنفکر – جنایتکار

◄ **حمیدرضا یوسفی**

جوهری که درس‌های تاریخ را با آن نوشته‌اند از خون کسانی بوده است که بدون داشتن برنامه‌ای مشخص خواسته‌اند کاری را انجام دهند.

نیوکلو ماکایلو/ ا گفتارها

ژوزف جوگانشویک (بعدها لقب استالین را برای خود برگزید)، در واقع تنها رهبر بلندپایه حزب کمونیست شوروی بود که اگرچه خود پرولتر به حساب نمی‌آمد اما از میان توده مردم و در یک خانواده روستایی به دنیا آمد که پدرش پینه‌دوزی تهیدست و مادرش بی‌سواد بود. سال‌های آغازین زندگی استالین با اخراج از مدرسه دینی تقلیس و پیوستن به یک گروه سیاسی آشوبگر همراه بود. علایق انقلابی از همان دوران جوانی او را در مسیری قرار داد که اعمالش غیرعادی، ویرانگر و مجرمانه جلوه می‌کرد. این نحوه ناآرام زندگی همرا با افکار ی پرچوش و خروش، همه چیز را برای به قدرت رسیدن استالین در آینده نزدیک مهیا می‌ساخت. دوران جوانی استالین برخلاف لنین و تروتسکی با اعمال کثیف همراه بود از جمله سرقت بانک، اخاذی، دزدی و باج‌گیری‌های بسیار، جنایت و… انجام این اعمال، مهارت‌های بسیاری را برای استالین جوان به ارتمان آورد تا بعدها بتواند دقیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر برای تأمین نیازهای مالی حزب بلشویک دست به چنین اقداماتی بزند کتاب «استالین جوان؛ از تولد تا انقلاب اکتبر» با یکی از این اقدامات ساختارشکن غیراخلاقی آغاز می‌شود که در آن استالین به دستور لنین ماموریت می‌یابد تا نقشه سرقت بزرگ از بانک را عملی سازد. سایمون

دبیل بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. آرلوف در این کتاب به جنایات بسیاری اشاره می‌کند و اطلاعات جالبی نیز از زندگی شخصی استالین به خواننده منتقل می‌کند. وی به حذف گورکی یا اعدام فرماندهان ارتش یا به ترور کسانی که از حزب خارج می‌شدند، اشاره می‌کند. نقطه قوت کتاب این است که در مقایسه با دیگر حرف‌هایی که درباره استالین می‌زنند و بیشتر شبیه به افسانه‌های یونان باستان درباره شیطان است، به تاریخ رسمی شبیه‌تر است و از منظر مقایسه‌ای می‌توان آن را به حقیقت نزدیک‌تر دانست. آرلوف خود از نزدیکان استالین بود و از این جهت نیز دسترسی بیشتری به منابع محرمانه کاخ کرملین و حزب داشته. در عین حال وی سال‌ها بعد از فرار از چنگال استالین این کتاب را نوشته که به عنوانی مفید است از آن جهت که در بیان وقایع از احساسات بیشتر پرهیز کرده و در صورتی نیز مضر قلمداد می‌شود که ممکن است در طول زمان در بعضی از امور دچار فراموشی یا اشتباهات لفظی شده باشد. دکتر عنایت‌الله رضا با ترجمه‌ای مقبول توانسته همان نثر ساده و شیوا را بدون دست‌خوردگی ترجمه کند و در عین حال بنا به علاقه خود نسبت به این حوزه توانسته پی‌نوشت‌های مفیدی را در ذیل متن بیاورد که کمک شایانی به درک زمان امر به خواننده می‌کند. کتاب در بیان امور از خط تاریخی پیروی نکرده و خواننده ممکن است به سردرگمی تاریخی دچار شود که پی‌نوشت‌های مترجم تا حدود زیادی باعث جلوگیری از این اشتباه خواننده در تاریخ وقوع جنایات شده. نباید فراموش کرد که بعضی از افراد نام‌شان با جنایت پیوند خورده و این امر در طول زمان منجر به کلیشه شدن می‌شود. مبارزه

کتاب‌سرا از این دست‌نوشته‌هاست که از نقاط قوت بیشتری برخوردار است. اما نگاهی به زندگی استالین و جنایت‌هایش از عدم باور حقیقی وی به خط مارکسیسم به معنای یک مفهوم دلالت می‌کند. استالین خود یک سرمایه‌داری دولتی را تشکیل داد که به جای سرمایه‌داری اروپایی حاکم شود. این سرمایه‌داری دولتی با اقتصاد دولت‌محور تفاوت ماهوی دارد. نباید فراموش کرد که استالین آن زمانی که دستور داد کشتی طلا از اسپانیا به شوروی قاچاق شود، به دنبال منافع خلق و طبقه پرولتر نبود. وی در کاخ کرملین کمتر نشانه‌ای از یک رهبر کمونیست را حفظ می‌کرد. نه از منظر زندگی شخصی شباهتی به کمونیست‌ها بنا به تعریف مارکس داشت و نه در روش حکومت. بی‌شک نقد که در تفکر مارکس مهم‌ترین پایه را تشکیل می‌دهد و یکی از موارد حیات این تفکر را در برابر ارتجاع تا به امروز است، در عصر استالین به توپ بسته شد. در عصر استالین همه متون و افکار چارچوب‌بندی شده و هیچ کس حق تخطی از دستور استالین را نداشت. استالین در نامه‌اش به مجله «انقلاب پرولتری» به وضوح خبر از ممنوعیت نقد حزب بلشویک و لنین می‌دهد که در نتیجه به ممنوعیت نقد خود وی نیز منتهی می‌شود. از این نامه می‌توان نتیجه گرفت که حق همیشه با لنین بوده و با آنکه گهگاه دشمنان طبقه کار گر وارد حزب شده‌اند اما حزب بلشویک خطاناپذیر بوده است. البته نباید فراموش کرد در مرام اجرایی استالین شاهد هستیم که دشمنان آنانی هستند که با حرف شخص اول حزب (لنین و بعد استالین) مخالفت می‌کنند. وی بعدها با نوشتن تاریخ مختصر^۲ به شکل رسمی فاتحه تاریخ‌نگاری و تفکر مستقل را خواند. تاریخ مختصر خودآموز کاملی از تاریخ تحریف شده و آکنده از جعلیات است که نوشته نویسندگان دولتی شوروی و ویراست انتهایی استالین با تیرازی که تنها قابل مقایسه با کتاب مقدس است، روانه بازار شوروی شد. این کتاب

در مدارس آموزش داده می‌شد و هر شهروندی باید چون فریضه‌ای الهی آن را از بر می‌کرد. تاریخ مختصر حاوی شرح جدیدی از ماتریالیسم دیالکتیکی و تاریخی بود؛ شریعات مارکسیستی جدیدی برای یک نسل کامل. لازم به ذکر است که شوروی دهه ۱۹۳۰ روایت جدیدی از مارکسیسم در قالب ایدئولوژی رسمی را به نمایش گذاشت حتی استالین در کتاب تاریخ مختصر نفی در نفی را نمی‌آورد در صورتی که حتی لنین نیز به این تعریف پایبند بوده است. در سال‌های بعد عدم سیاست‌ورزی صحیح و امنیتی کردن تمام امور باعث شکست‌های پی در پی دولت استالینیستی در امر اشتراکی کردن می‌شود. شوروی با بحران‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود، مردم در سختی به زندگی ادامه می‌دهند و روشنفکران از وطن رفته‌اند یا به دست تیم‌های ترور استالین تصفیه شده‌اند. برداشت استالین از نویسنده و ادیب این بود: مهندس روح آدمی^۳ که منجر به مهندسی نوع تفکر همین مهندسان شد. اکثر آثار ادبی در آن زمان شوروی به بهانه ژالیستی بودن و دارای پیام و هدف بودن متن ادبی به بیانیه‌های حزبی تبدیل شده بودند یا در وصف استالین و حزب نوشته می‌شدند. نویسندگان نیز که به این انهدام ادبی تن نمی‌دادند، مانند گورکی حذف می‌شدند چه حذف فیزیکی و چه حذفی از روش ممنوعیت هر گونه کار اعمال. آیا مارکسیسم در شوروی تبلور یافت؟ و استالین نماینده‌ای از این تفکر بود؟ می‌توان به صراحت گفت نه. بلشویک‌های روسی پس از انقلاب ۱۹۱۷، به گفته آنان، مارکسیسم را به الاهیات جزم‌گرایی به منظور توجیه حاکمیت تک‌حزبی و وسیله‌ای برای رسمیت بخشیدن به کنترل ایدئولوژیک جامعه عقب‌مانده دهقانی روسیه تغییر شکل دادند. آنها قرون وسطایی ساختند که هیچ راه خلاصی از آن نبود. متون مقدس‌اش آثار مارکس، انگلس و لنین و استالین بود و کلیسایش حزب کمونیست اتحاد شوروی. لنین و بخصوص استالین

سال پنجم ■ شماره ۱۰۵۵ ■ دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۹ ■ **کتاب**



استالین در زمان جوانی

که به نظریات مارکس و انگلس نیز وفادار نبودند. نمی‌توان استالین را نماینده مارکسیسم دانست چرا که غیر از مباحث تئوریک و خیانت‌هایش به متون آشکار مارکس وی اخلاق مارکسیسم^۴ را نیز زیر پا گذاشت. این حقیقت که مارکسیسم بر اساس دغدغه اخلاقی (نه اخلاقی متافیزیکی و مرتبط با امور مقدس یا اخلاقی بورژوازی) در مقابل سرمایه‌داری ظهور کرد مارکسیسم در برابر سرمایه‌داری اخلاقی‌ترین ایدئولوژی آن عصر به شمار می‌رفت و استالین کمی هم به این امر توجه نکرد. در پی پدید آمدن شوروی و بعد از گذشت مدت زمانی بخصوص در زمان حاکمیت استالین بسیاری از چپ‌های جهان در پی ترمیم تفکر جهانیان نسبت به مارکسیسم با مشاهده جنایات استالین بودند هر چند استالین همیشه جاب احتیاط را رعایت می‌کرد و نمی‌گذاشت در جنایت‌هایش ردی باقی بماند و بارها دستگاه امنیتی‌اش را تصفیه کرد تا هیچ سرنخ نماند. مارکسیسم در آن زمان جنایت‌های وی تنها در مباحث تئوریک مطرح می‌شد؛ جنایت‌هایی که بر مارکسیسم روا داشت اما پس از مدتی تاریخ‌های شفاهی از جنایت‌های استالین کم‌کم وارد بازار شد. برخی از افرادی که در سیستم استالینیستی جایی مقامی داشتند، زمانی که متوجه شدند در خطر تصفیه قرار دارند، فرار کردند و با در نظر گرفتن موارد امنیتی بسیار تا سال‌ها با ترس ترور زندگی کردند. **پی‌نوشت‌ها**..... ۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به جریان‌های اصلی مارکسیسم، لشک کولاکوفسکی، ترجمه عباس میلانی، جلد سوم نشر اختران ۲- مجموعه آثار استالین، جلد ۱۲، ۱۹۵۵، ص ۸۶ ۳- تاریخ مختصر وی به فارسی ترجمه شود. این کتاب در مجموعه کتاب‌های چاپ سفید در ایران برای اولین بار چاپ شد. ۴ - گفته استالین درباره نویسنده در سال ۱۹۳۲ با جمعی از نویسندگان در خانه گورکی ۵- مارکسیسم و اخلاق، بوجین کامکا، ترجمه مجید مددی، نشر اخاق،

◄

بخش نخست (استالین جوان) کتاب خود را با یک رخداد ناآرام در زندگی استالین آغاز می‌کند و سپس به شرح سایر رویدادها و حوادث زندگی استالین به عنوان دیکتاتوری روشنفکر- جنایتکار می‌پردازد؛ دیکتاتوری که در دوران حیات خود کارنامه‌ای متناقض از خود به جا گذاشته است. سرکوب و نفی مخالفان و فرماندهان نظامی به غیرانسانی‌ترین شکل، بی‌توجهی به خواست لنین به عنوان رهبر انقلاب شوروی در مورد جانشینی، تأسیس تشکیلات پلیسی و مخفی براس سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در مردم، حرکت به سوی صنعتی شدن با کشتن میلیون‌ها انسان و… از سبب کارنامه‌ای سیاه و منفی برای استالین به جا گذاشته است اما در آن سو مقابله و برخورد و فاشیسم در جریان جنگ جهانی دوم را شاید بتوان تا حدودی از موقعیت‌های مثبت استالین به حساب آورد. کتاب استالین درباره تزار سرخ کلتی است که می‌کوشد سوبیه‌های تاریک حیات دیکتاتوری استالین و اقدامات او را تا پایان مرگ (۱۹۵۳) با دلایلی مشخص هویدا سازد. بر این اساس به تمام وجوه منفی و مثبت استالین و اطرافیانش می‌پردازد و از آنها شخصیتی چندبعدی می‌سازد که تنها دارای بعد منفی و مضموم نیستند. سایمون سیبیگ ماتنیفوری استاد دانشگاه اسکفور و مورخ انگلیسی، نویسنده این کتاب است که به تاریخ روسیهٔ آشنایی و تسلط دارد. وی از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۷ مشغول نگارش این دو مجلد بوده است. کتاب دوم در سال ۲۰۰۳ و کتاب اول با فاصله زمانی چهار سال از کتاب دوم در سال ۲۰۰۷ در بریتانیا منتشر شدند اما ترجمه این دو مجلد همزمان از سوی نشر «فالت» و با مترجمی جناب آقای بیژن اشتیری راهی قفسه‌های کتابخانه‌فروشی‌های این شهر شده است و امید می‌رود همچون سه گانه آیزاک دویچر در باب زندگی و اندیشه تروتسکی و لنین هلن دانکوس با بی‌مهری و بی‌توجهی روبه‌رو نشود.

◄ **فراموشگاه**

◄ **فرزانه معیریان**

دریای بی‌نوایی و سیه‌روزی

«در دنیایی که گرسنه‌است، ادبیات چه معنی و مفهومی دارد؟ ادبیات هم مانند اخلاق باید جهانی و همگانی باشد. بنابراین اگر نویسنده‌ای بخواهد روی سختش با همه باشد و همه اثر او را بخوانند، باید خودش را در صف دو میلیارد گرسنه جهان قرار دهد.»



دکتر «ژوزونه دوکاسترو» استاد جغرافیای انسانی، پزشک، جامعه‌شناس، نویسنده و دارنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۵۴ است. او نخستین اندیشمندی بود که پس از جنگ جهانی دوم پیرامون فاجعه «گرسنگی»، این راز ننگین تمدن بشری، سخن گفت. مهم‌ترین اثر «دوکاسترو» کتاب «ژئوپولیتیک گرسنگی» است که در ایران و با موافقت نویسنده با نام «انسان گرسنه» در سال ۱۳۴۱ ترجمه شده است. «انسان‌ها و خرچنگ‌ها» مانی از این نویسنده است در باب گرسنگی. که با توجه به مقدمه نویسنده تا حدودی با واقعیت رزینی او تطبیق دارد و از طرفی حامل سوبیه‌های

اعتراضی علیه وضعیت مستقر در برزیل آن دوران است. «انسان‌ها و خرچنگ‌ها» داستان کودکی است که چشم بر مناظر این جهان می‌گشاید اما چشم‌اندازش محدود است به شاخه بزرگی از یک دریا؛ دریای بی‌نوایی و سیه‌روزی که سرتاسر امریکای لاتین را دربر گرفته است. «برای ژوائو-پلو این سوبیه‌های فقر و سیه‌روزی با زره‌های گلی و خرچنگ‌ها با کاسه‌های سخت خود قهرمانان جهان وژوها بودند. آنها تنها به یک خانواده غفلت داشتند؛ خانواده فاتحین دلاور مرداب، که ژوائو-پلو خوب می‌داند فرزند یکی از آنان است.» در باتلاق‌های «رسیف» در ناحیه «ووروست» برزیل، انسان‌ها با گوشت خرچنگ‌ها پرورش می‌یابند و بسان خرچنگ‌ها می‌اندیشند و احساس می‌کنند. در زمان، این انسان‌ها دارای دوزیستی هستند، آبی و خاکی، نیم‌انسان، نیم حیوان. آنان از دوران کودکی با آبیگوشت خرچنگ، با شیری که از پستان گل ترشح می‌شود تغذیه کرده‌اند و «از این رو این انسان‌ها برادران شیری خرچنگ‌ها هستند.» «آدم‌ها و خرچنگ‌ها» شرح جامعه‌ای است که همانند جامعه انسانی ساکن مرداب دارای دوزندگی است؛ دو نظام اجتماعی که تاکنون تاریخ نتوانسته است آن دو را مانند تاروپود یک پارچه به هم ببافد یعنی فنودالیسم ارضی و سرمایه‌داری، نظام‌هایی که در «ووروست» برزیل و در زمان نگارش این رمان هم‌زیستی داشتند بدون اینکه مختلط شوند یا چنان با هم ترکیب شوند که تمدن جدیدی به وجود آورند. از این رو اجتماع باتلاق‌ها همواره میان فشار این دو نظم له و خرد می‌شود و چاره‌ای ندارد جز اینکه در ژرفای باتلاق‌ها جایگزین شود و در آنجا با انبوه گل و لای درآمزد. «خست گمان می‌کردم که گرسنگی امتیاز غم‌انگیز ناحیه باتلاق‌های بود که من دو کاسترو» آنجا زندگی می‌کردم. اما به زودی دریافتم که در ناحیه نوروست در واقع باتلاق‌ها سرزمین موعودی بودند که مردم سرزمین‌های دیگر را جلب می‌کردند.» باتلاق‌ها همان گرسنه که در زمان آمده است، سرزمینی است برای فراریان از خشکسالی و از آن بالاتر گرسنگی، فرار از خشکسالی‌هایی که ناحیه‌های تک‌کشت نیشکر، آنجا که صنعت قند از نیشکرها و انسان‌های یکسان شیره می‌کشد و هر دو را به فثاله تبدیل می‌کند، آدم‌ها را به باتلاق می‌کشاند. انسان‌ها در باتلاق خرچنگ دارند و این خرچنگ‌ها مایه حیات و امیدواری در این مناطق‌اند. این انسان‌ها در همه زمینه‌ها به خرچنگ‌ها شبیه می‌شوند؛ انسان‌ها مانند خرچنگ‌ها برای ادامه زندگی می‌خزند، کنار آب توقف می‌کنند و مانند آنها عقب‌عقب راه می‌روند. ساکنان باتلاق‌ها، خواه انسان، خواه خرچنگ که کنار آب به دنیا می‌آیند، اندک‌اندک که رشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند بیشتر و بیشتر در لجن‌ها فرو می‌روند. «پدر آرستید» کشیش منطقه باتلاق روشی عجیب برای شکار خرچنگ‌ها به کار می‌گیرد. او با سطل و آبپاش توفان مصنوعی درست می‌کند و به گفته خودش خرچنگ‌ها از سروصدای سطل و آبپاشی کردن شن‌ها دیوانه می‌شوند و بیرون می‌آیند. «به اشاره آبپاشی آرستید» ژوائو-پلو با عجله از آبپاش در یک سوراخ «گه امسو» آب سرازیر می‌کند. هنگامی که آب به عقق سوراخ می‌رسد، خرچنگ که از توفان وحشت کرده پنهلگاش را ترک می‌گوید. ژوائو-پلو آن را در فرار ماریچی تعقیب می‌کند.» «پدر» هم می‌داند بزرگ‌ترین خطر در این ناحیه حضور شیطان نیست. غلبه گرسنگی است؛ گرسنگی‌ای که حتی خرچنگ‌ها را هم عاصی کرده است. این حیوانات هم به انتظار تک‌های ماهی مرده، پوست میوه و فضولات گاو، در کنار آبراه‌های منتهی به باتلاق وقت می‌گذرانند. گرسنگی قهرمان اصلی این داستان است. نویسنده در یکی از فصول کتاب شرح می‌دهد که چگونه گرسنگی منجر به درد شدن انسان شریف و ابرومدنی می‌شود. «یک لحظه کوتاه قسم خوردم که

دیگر بقیه پنی‌ها را آرام بگذارم. از فکر اینکه به روی این مرد نگاه کنم خجالت می‌کشیدم و بیش از همه از این می‌ترسیدم که در حضور ما کشف کند که من پنی‌هایش را با این بی‌شرمی و وقاحت خورده‌ام.» «رسیف» و باتلاق‌نشینان ساکنش، به حاشیه رانده‌شده‌های شهری بزرگ در «ووروست» هستند؛ شهری با تمام امکانات و فراوانی مواد غذایی. کودکان باتلاق بعضی روزها به شهر می‌روند و از سطل‌های آشغال که بی‌دریغ به انتظار آنها سر جایشان ایستاده‌اند، تغذیه می‌کنند. هر چیزی غیر از خرچنگ برای این کودکان غذایی جالب و تجربه‌ای تازه است. دیدن شهر و اختاف سلط زندگی در آن و باتلاق بدر کینه را در دل کودکان باتلاقی می‌باشد. شهری‌هم‌ها از اینکه این فقرا و بی‌چیزان چهره شهر را خراب کرده‌اند، به خشم آمده دردند نابود کردن حاشیه‌نشینان باتلاق هستند. داستان به اختلاف‌ها و شکاف بین حاشیه و مرکز نمی‌پردازد اما اشاره‌های کوتاه خود برای پیشبرد داستان کافی است. «ژوائو-پلو» بر اثر هم‌زیستی مداوم با خرچنگ‌ها، بر اثر شنیدن صدای رعد، دیوانه می‌شود، مانند خرچنگ‌ها در مسیر ماریچی می‌دود و به سمت مرکز صدا پیش می‌رود. ناگهان کودک خود را در جمع شورشیان گرسنه می‌بیند و همپای آنان تا غروب مبارزه می‌کند. بعد از تاریکی باتلاق، خرچنگ‌ها دیگر گرسنه نیستند. «جسد «ژوائو-پلو» هم جایی افتاده است. گوشه‌های بدنش که در حال تجزیه و فساد است و لای را تغذیه می‌کند و این گل و لای، خرچنگ‌ها را تغذیه خواهد کرد و مردم مرداب‌نشین هم از گوشت همین خرچنگ‌هاست که تغذیه می‌کنند.»

انسان‌ها و خرچنگ‌ها/ ژوزونه دوکاسترو | ترجمه: منیر جزنی (مهران) | انتشارات: امیرکبیر | چاپ چهارم: ۱۳۵۴

◄ **عطای کتاپی**

◄ **دین به وقت عوام**



به انسان‌شناسی دین/ مردم‌شناسی دین است که رشته مطالعاتی جذاب و گسترایی است که می‌تواند محل تدقیق جامعه‌شناسان، پژوهشگران مطالعات فرهنگی و بالکل علوم اجتماعی باشد. دین عامیانه به نص صریح «شاره» مندرج در رساله، عبارت از باورهای و رفتارهای دین است که طبیعتی آشکارا دینی دارند ولی تحت سلطه و کنترل یک نهاد رسمی دینی نیستند. اثر حاضر به موضوعاتی نظیر دین مجلی، دین رسمی و عامیانه در مطالعات اسلامی، اسلام عامیانه، دینداری عامیانه مسیحی، یهودیت عامیانه و بودیسم عامیانه می‌پردازد. نویسندگان این مقالات از برجسته‌ترین دین‌پژوهان معاصر غرب محسوب می‌شوند و به واقع خوانش این کتاب غنیمتی است که می‌تواند ما را دست‌کم با بخشی از آرا و اندیشه‌های این بزرگان آشنا کند. کتاب به هیتی آکادمیک طرح‌ریزی شده است و سودایی دانشمندان و عالم‌پسندانه دارد چنان که در پیوست کتاب مآخذ مقالات این مجموعه به ترتیب ذکر شده و نیز دارای اعلام رهنگشا و روشنگرانه‌ای است. این کتابچه را ابراهیم موسی‌پور تدوین و ترجمه کرده است که پیشتر کتاب‌های «یونگ، بوهر و تائوتسکی» «درباره انسان‌شناسی دین» را روانه بازار کرده بود. گزیده است مترجم یورپرقی‌های ارزنده و سودمندی را برای فهم بهتر مطلب پیوست کرده است.